



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

انترناسیونال ۴۹۸

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت hekmat.public-archive.net

جمعه ۹ فروردین ۱۳۹۲، ۲۹ مارس ۲۰۱۳ - ۱۴ صفحه



آمنه ما را نمایندگی می کند! آمنه صدای ماست!

آمینا، مبصرها، بی بی سی و شرکا!

مصطفی صابر

در همبستگی با ۴ آوریل روز جهانی حمایت از آمنه

سخنی با مردم و
پسران و دختران جوان در ایران

شها دانشفر

برگزاری "انتخابات"، هراس و بن بست رژیم

بهرز مهرآبادی

نیروی انتظامی و کارنامه یک شکست

کاظم نیکخواه

تجاوز حربه کثیف اسلامی

فرح صبری

۴ آوریل روز صف آرایی
دو جبهه در مقابل هم است،
جبهه جریانات زن ستیز و جنایتکار اسلامی و
جبهه انسانیت و دفاع از حقوق انسانی
زنان، در این حرکت مهم سهم شوید!

فراخوان مریم نمازی و مینا احدی
به مناسبت روز ۴ آوریل روز جهانی دفاع از آمینا،
روز جهانی اعلام انزجار از جنبش
ضد زن و ضد انسانی اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

۴ آوریل روز صف آرایی دو جبهه در مقابل هم است، جبهه جریان‌ات زن ستیز و جنایتکار اسلامی و جبهه انسانیت و دفاع از حقوق انسانی زنان، در این حرکت مهم سهیم شوید!

پس فراخوان ما بهمه شما انسانهای آزاده، همه زنان در کشورهای اسلام زده و به همه آتشیست‌ها، بی‌خدایان و مدافعین حقوق زن و همه و همه اینست که ۴ آوریل را مهم تلقی کنید، به هر طریق ممکن در این حرکت جهانی سهیم شوید و کاری کنید که فراخوان دهندگان فتوای قتل در ایران و عراق و افغانستان و تونس و مصر و در همه جا ببینند که با مردم مترقی جهان روبرو هستند. ۱۰۰ هزار نفر طومار اعتراضی به این فتوا را امضا کرده اند. ما باید کاری کنیم فتوا دهنده دستگیر و زندانی شود و نه آمینای ۱۹ ساله که از بدبختی ترین حقوق انسانی خود دفاع میکند.

پیش بسوی ۴ آوریل گسترده و جهانی ننگ و نفرت به فتواهای زن ستیزانه اسلامی مریم نمازی مینا احدی ۲۸ مارس ۲۰۱۳

شریعه و چندین سال مقابله با طرفداران نسبیت فرهنگی در غرب ساخته شده و با اتکا به سالها مبارزه و تجربه و کمپین های موفق است، که فراخوان داده میشود. این کمپین به جنبشی وصل است که در دنیا توجه و محبوبیت فراوانی دارد، جنبش فم. جنبشی و زنانی که نسبیت فرهنگی را پشت سر گذاشته و علیرغم سیاست رسمی دولتهای غربی و علیرغم بی تفاوتی فمینیسم سنتی، به همه این مسائل کار دارد: علیه جنبش اسلامی و حجاب اجباری و سنگسار مبارزه میکند همانطور که علیه راسیسم و خارجی ستیزی، یاپ، کلیسا و علیه کالا بودن جسم زن مبارزه میکند. فراخوان ۴ آوریل فراخوان جنبش نوین زنان علیه زن ستیزی بهر شکل و با هر پرچمی است!

ما بهم رسیده ایم و این فراخوان را داده ایم. این فراخوان کسانی و جنبش‌هایی است که علیه اسلام سیاسی مبارزه کرده اند.

میکنند به مردم چنین تلقین کنند که این مردمان "مسلمان" با بقیه فرق دارند و قتل و سوزاندن زنان و اسیدپاشی و زن کشی و سنگسار جزئی از فرهنگ "قابل احترام" اینها است و ما را به آنها کاری نیست!

این فضا را ما شکستیم. همانطور که ریچارد داوکینز گفت: جنبش اسلامی تا مغز استخوان ضد زن است و زنان باید پاسخ این جنبش را بدهند و ما افتخار میکنیم اعلام کنیم که پاسخ دندانکشی به این جنبش دادیم. ما زنان از ایران، ما زنان از افغانستان و پاکستان و عراق و ... نسل‌نویی که تابو نمی‌شناسد، و ترسی از تهدیدات فاشیست‌های اسلامی ندارد. ما تابو شکستیم و همزمان فضای رعب و وحشت را شکستیم. از اینها نباید ترسید باید به آنها حمله کرد و باید به عمر ننگین این جنبش خاتمه داد.

روز ۴ آوریل بر مبنای چندین سال مبارزه میلیونها زن در ایران علیه حکومت اسلامی ایران فراخوان داده میشود. روز جهانی ۴ آوریل با اتکا به مبارزات قهرمانانه زنان مصر و میدان‌التحریر و مبارزه زنان تونس فراخوان داده میشود. این روز با اتکا به جنبش نود و نه در صدیها و حرمت یافتن خیابان و مبارزات متحدانه هیچ بودگان فراخوان داده میشود. این روز با اتکا به جنبش یک میلیارد نه به خشونت فراخوان داده میشود. این روز با اتکا به مبارزات درخشان علیه سنگسار و زن ستیزی اسلامی، علیه قوانین

**فراخوان مریم نمازی و مینا احدی به مناسبت روز ۴ آوریل
روز جهانی دفاع از آمینا، روز جهانی اعلام انزجار از جنبش
ضد زن و ضد انسانی اسلامی**



کنید این پیام ۴ آوریل است!
و این يك جنگ بسیار مهم در دفاع از زنانی است که هنوز در خطر جنایات جریان‌ات اسلامی و حکومت‌های اسلامی و حتی والدین و یا همسران خود بدلیل شستشوی مغزی آنها توسط مذهب اسلام هستند. این يك موضوع حیاتی است که ما در باره آن صحبت میکنیم و به همه ما مربوط است.

طبعاً این دنیا وارونه است و از زنان تحت ستم آپارتاید جنسیتی، از زنان در معرض خطر قتل ناموسی و یا سنگسار دفاع نمیکند و سالهای سال است که چشم و گوشها بسته است. اگر دنیا عادی بود خمینی در سال ۱۹۷۹ باید دستگیر و روانه زندان و یا تیمارستان میشد، اگر دنیا عادی بود با اولین سنگسار شدن زنان باید ساعتها از حرکت می‌ایستاد و دنیا پاسخی به این جنایتکاران میداد اما چنین نشد ... سی و چند سال است که جنبش اسلامی جنایت میکند و دولتهای "دمکراتیک" غربی بنا به مصلحت سیاسی و اقتصادی با مافیای رسانه ای سعی

آمینا در خطر است و ما نگران سلامتی او هستیم.
چرا آمینا در خطر است؟
یک جنایتکار اسلامی به اسم آخوند در کشور تونس، در روز روشن فتوای شلاق زدن و سنگسار کردن او را داد. چرا که آمینا یک عکس از تن نیمه برهنه خود را علنی کرده و در آنجا یک پیام به همین جنبش اسلامی و جریان‌ات ضد زن و مبلغ فرهنگ تحقیر آمیز اسلامی داده است. او فقط گفته است تن من به خودم تعلق دارد و ناموس هیچ کس نیست. طبعاً بر سر همین یک جمله و همین یک موضوع تا کنون هزاران و هزاران زن کشته شده، به قتل رسیده، سوزانده شده و یا حتی تعدادی سنگسار شده اند. این واقعیت دردناکی است که دنیا باید به آن نگاه کند و نقطه پایانی بر این وحشیگری قرون وسطایی بگذارد. هدف ما از این کمپین همین است. ما میخواهیم در کنار مردم مترقی و انساندوست سراسر جهان اعلام کنیم دیگر بس است، دیگر نمیگذاریم با زنان چنین رفتار

**تلفن تماس با حزب در
خارج از کشور**

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران
شلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

**I.K.K , Box: 2110 ,
127 02 Skärholmen - Sweden**

۴ آوریل روز جهانی دفاع از آمینا تیلر

روز جهانی اعتراض به اسلام سیاسی و زن ستیزی عریان و وحشیانه اسلامی

مینا احدی

آمینا دختر ۱۹ ساله تونسی است که در این کشور قصد راه انداختن یک سازمان همفکر و همراه با گروه فم از اوکرایین را داشت. او یک صفحه فیس بوکی راه انداخت و عکس برهنه خود را در حالیکه بر بدنش نوشته بود: "بدنم متعلق به من است و ناموس هیچکس نیست"، را علنی کرد. این یک انقلاب بود و بلافاصله توجه ها به او جلب شد. در برنامه های تلویزیونی در تونس شرکت کرد و توضیح داد علیه فرهنگ و سنت و قوانین ضد زن است و از حقوق انسانی خود و زنان دفاع میکند. جنبش اسلامی در تونس عکس العمل نشان داد و فتوای قتل او صادر شد. از زبان یک آخوند مرتجع و خونخوار با وقاحت اعلام شد که باید "صد ضربه شلاق به او بزنند و سپس سنگسارش کنند. عکس برهنه او برای کشور تونس بدیمن است و زنان را در این کشور از راه بدر میکند"...

آمینا اکنون گم شده و کسی نمیداند چه لایبی سر او آورده اند، آخرین تماس او با فم در هفته گذشته بوده و اخبار حاکی از این است که او را به زور به یک بیمارستان روانی برده و بعنوان بیمار روانی بستری کرده اند و یا اینکه او را دستگیر و زندانی کرده اند. روز دوشنبه ۲۶ ماه مارس از زبان به اصطلاح وکیل او گفته شد که آمینا سالم است و در خانه خودشان است. این خبر بدلیل عدم ارتباط آمینا با دنیای خارج،

از سوی فراخوان دهندگان به کمپین دفاع از آمینا تایید نشد و اعلام شد که برای رد گم کردن و مقابله با جنبش اعتراضی جهانی این خبر را پخش کرده اند و صحت ندارد.

دنیا به پا خاست!

پخش خبر اعلام فتوا علیه آمینای جوان و فتوای سنگسار از سوی آخوند خونخوار اسلامی بلافاصله با عکس العمل جهانی روبرو شد. دنیا بپا خاست و از آمینا و از حقوق زنان در کشورهای اسلام زده دفاع کرد. مریم نمازی و اینا شوچنکو رهبر فم در یک فراخوان مشترک که به امضا شخصیت های سرشناس بین المللی در عرصه مقابله با جنبش اسلامی و نقد مذهب و همچنین سازمانهای مدافع حقوق زن و هنرمندان و نویسندگان از جمله نادیا ال فانی، تسلیمه نسرین، ریچارد داوکینز، آلیا ماجده المهدی و ... رسیده بود، اعلام کردند که دنیا باید بپا خیزد و کاری بکند.

طومار اعتراض به این فتوا و دفاع از آمینا را در چند روزی بیش از ۹۷ هزار نفر امضا کردند. این یک جنبش جهانی علیه فتوا و زن ستیزی اسلامی است، این جنبشی است در دفاع از حق و حرمت انسانی زنان.

روز ۴ آوریل روز جهانی اعتراض به جنبش اسلامی و دفاع از حقوق زنان در کشورهای اسلام زده اعلام شده و از هم اکنون سازمانها و نهادهای مدافع حقوق زن مشغول آماده شدن برای

شعار دفاع از آمینا برای سایت فم ارسال کنید، دهها نفر زن و مرد از سراسر دنیا این کار را کرده و همبستگی خود را با آمینا ابراز کرده اند.

هر نوع ابراز وجود زن از سوی جنبش اسلامی با جنایت و سنگسار و شلاق پاسخ میگیرد! ما زنان از ایران و کشورهای اسلام زده بیش از همه ماهیت جنبش اسلامی و زن ستیزی این جنبش را می شناسیم. اینها برای قدرت گرفتن و در قدرت ماندن احتیاج به تکه تکه کردن بدن زنان و سرکوب حرمت و حقوق انسانی زنان دارند تا جامعه را مرعوب کنند و با ناموس پرستی و تکیه به اخلاقیات عقب مانده و کهنه تقلا میکنند بقیه جامعه را در مقابل سرکوب وحشیانه زنان ساکت و یا خنثی کنند. این داستان همیشگی در کشورهای اسلام زده است.

در این نمونه که اولین نمونه نبوده و نیست، یک آخوند کپک زده اسلامی در روز روشن و در قرن بیست و یک، با وقاحت تمام فرمان قتل یک دختر ۱۹ ساله را میدهد و اعلام میکنند که با پرتاب سنگ باید او را زجر کش کرد. این فرمان جنبش اسلامی بر علیه زنان آزاده است. اینها که در دنیای ارتباطات و پیشرفت و جنبش ۹۹ در صدها، در دوران انقلابات مردم علیه دیکتاتورها، از قرون وسطی دفاع میکنند، هیچ ابزاری ندارند جز جنایت و قتل و خونریزی مقدس.

بسیار مهم است که دنیا بپا خواسته و یکبار دیگر به این جانیان وقیح اسلامی نشان دهد دوران سنگسار کردن زنان گذشت، دوران قدر قدرتی جنبش فاشیست اسلامی گذشته و دنیا دیگر نمیگذارد اینها راحت بکشند و بر انقلاب مردم سوار شده و سپس

حکومت اسلامی و قوانین زن ستیز اسلامی را پیاده کنند.

دفاع از آمینا و جنبش گسترده جهانی در دفاع از آمیناها در ادامه جنبش جهانی دفاع از سکنه محمدی آشتیانی است. ما نمیگذاریم دیگر ریش و پشم دارهای اسلامی به جان زنان افتاده و جنایت کنند. اینرا صد هزار نفر با امضای خودشان در سه روز به این جنبش کثیف اعلام کردند.

فراخوان به شرکت گسترده در روز ۴ آوریل

زنان آزاده، مردم منزجر از جنبش اسلامی، ایرانیان آزاده! در هر جایی که هستید این روز را مهم تلقی کرده و در آن سهیم و شریک شوید! این یک مبارزه مستقیم علیه جنبش اسلامی و فرهنگ و اخلاقیات و سنتهای ضد زن اسلامی است. این یک مبارزه مستقیم علیه حکومت اسلامی ایران همچون سر مار اسلام سیاسی است.

ما باید در همه جای دنیا به خیابان رفته و در مقابل سفارت خانه ها و کنسولگریهای حکومت تونس تجمع کنیم و اعلام کنیم که دوران تحمیل حجاب اسلامی و شلاق زدن و فتوای اسلامی سنگسار دادن گذشته است. ما باید با قدرت خودمان نشان دهیم که علیه این حکومتهای اسلامی و علیه زن ستیزی اسلامی هستیم. باید نشان دهیم که دوران تحمیل حجاب و محو زنان از زندگی اجتماعی گذشته است، باید با صدای بلند اعلام کنیم که زن انسان است و د رمورد زندگی و روابط شخصی و اجتماعی اش، خود تصمیم میگیرد. باید اعلام کنیم زن ناموس هیچ کس نیست

ادامه صفحه ۴

نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

آمینا، مبصرها، بی بی سی و شرکا!



مصطفی صابر

میدانهای بمبئی و قاهره در هر لحظه دارد زن را تحقیر میکند، مورد ستم و تبعیض قرار میدهد، محروم میکند، ممنوع میکند، استثمار مضاعف میکند، مورد تجاوز و دست درازی جنسی قرار میدهد، مثله میکند، میکشد، شلاق میزند، در چادر و چاقچور میکند، سنگسار میکند، صورتش را خونین و مالین میکند و کل جامعه بشری را، چه زن و چه مرد را، در قعر قهقرای بردگی جنسی نگه میدارد. میپنداریم، بردگی که همواره رکنی از استثمار و بردگی طبقاتی طی تاریخ بوده و اکنون نیز عمیقا به تار و پود سرمایه داری و بازار و سود و تجارت و البته بردگی مزدی جهانی گره خورده است.

نمی شود ته صحنه ایستاد و ژست مبصر و مصلح و "موبدان سرخپوش معبد تاریخ" به خود گرفت و برای تلاش های جریانهای مثل گروه فم و حزب کمونیست کارگری و مریم نمازی و مینا احدی پیف پیف کرد و عملا با اسلامیون با مرتجعین با ملی مذهبیون، با اصلاح طلبان مذکر و مونث و با امثال بی بی سی همراه نشد. بخود آید دوستان! این جهان نابرابر را باید تغییر داد. اعتراض عریان پیکان جنبشی بس عظیم تر و همه جانبه تر علیه این جنایت ممتد و لاینقطع علیه نیمی از بشریت و به این اعتبار کل بشریت است که به قدمت "تمدن" و "تاریخ" است. به اعتراض ما ببینید!

یک کار مهم که در این رابطه باید کرد، علاوه بر رسوا کردن اسلام سیاسی، آخوندها و جمهوری اسلامی ضد زن،

آنها که با مسخرگی میگفتند "اگر اعتراض عریان خوبست، پس خودتان لخت شوید!" آنها که هزار و یک بهانه می آوردند که این اعتراض عریان اینجایش کج است و آنجایش "سکولاریستی" و "فمینیستی" است، حالا در مقابل فتوای شلاق و سنگسار "آمینا تیلر" دختر تونسسی چه دارند که بگویند؟ یا باید کنار نرینه های اسلامی قرار بگیرند؛ یا باید از خجالت سرشان را پایین بیندازند و بیشتر به غار کفخ خود بخزند؛ و یا شجاعت بخرج دهند و در کنار آمینا قرار گیرند و به صف این اعتراض بپیوندند!

می بینید که دنیا بدجوری قطبی است. یا شما با تمام وجود علیه بردگی جنسی حاکم بر این جهان نرینه سالار می ایستید و از اعتراض علیه آن دفاع میکنید، یا اینکه علیرغم هر نیت احیانا خیری هم که داشته باشید سیاهی لشکر کسانی میشود که میخواستند یک تبعیض و ستم چندین و چند هزار ساله را تداوم دهند. تبعیض و نابرابری جنسی. تبعیضی که از محیط کار تا بیخ خانه، از مدرسه و دانشگاه تا دادگاه و زندان و ارتش، از مهمانی های مجلل برده داران عصر ما تا کوچه و خیابان تا روسپی خانه های سراسر جهان، از حرم فاطمه زهرا و امام رضا گرفته تا جنگ های آفریقا و

کرد. باید در مدیای اجتماعی در سایت های اینها و روی خط رادیو و تلویزیون اینها رفت و سکوت شان در قبال جنایات ضد زن را به چالش کشید. باید به اینها گفت خانم ها و آقایان دنیا عوض شده است، شما نمی توانید سرتان را زیر برف کنید. بسیاری از رسانه ها دارند از روز چهار آوریل بعنوان روز دفاع از آمینه (که توسط مریم نمازی و گروه فم فرخوان داده شده) حرف میزنند. شما نمی توانید خودتان را به کوچه علی چپ بزنید و در این مورد سکوت کنید و در عوض مثلا برای آمدن خاتمی و تجدید رویای دوم خرداد وراجی کنید. نه فقط نمی شود جمهوری اسلامی اصلاح شده و "مردی با عباى شکلاتی" را به خورد مردم داد، که اصولا نگاه داشتن هرگوشه ای

همچنین افشای جریانهای نظیر بی بی سی و طیف ملی اسلامی ها و سلطنت طلبان و کل اپوزیسیون راست ایرانی است که اساسا چشم شان را بر جنایات نظیر اعلام فتوای شلاق و سنگسار "آمینا تیلر" می بندند. برای اینها، حتی آنهایی که روزی میخواستند "یک میلیون امضاء" راه بیندازند، کاری که آمینا کرده جزو محرمات و ممنوعات است. اینها که ساعتها برنامه های رادیویی و تلویزیونی را صرف تبلیغ آخوند منتظری بعنوان "پدر حقوق بشر ایران" میکنند، متحدین "دمکرات" و "حقوق بشری" همان ملای سلفی اند که حکم رجم آمینا را داده است. باید توطئه سکوت این مدافعین مودب و ملایم وحشی گری اسلامیون علیه زنان را افشاء

۴ آوریل روز جهانی دفاع از آمینا تیلر

از صفحه ۳

و زن و مرد برابرند.

این جنبشی است مستقیما علیه حکومت اسلامی ایران و علیه سنگسار و فتوای جانین حاکم بر ایران. حکومت اسلامی ایران باید ببینند که دنیا هوشیار است و از حق زنان در کشورهای اسلام زده و از سنت شکنی زنان دفاع میکند. جنبشی که در ایران بسیار قوی و علیه حکومت اسلامی است.

در پایان سخنی خطاب به خیل مهر سکوت بر لب زندگان! خیر فتوای آخوند اسلامی علیه دختر ۱۹ ساله و سنت شکن تونسسی آمینا در دنیا پخش شد و جهان را متوجه خود کرد. ۱۰۰ هزار نفر طومار اعتراضی را امضا کردند و رسانه های مهم بین المللی در این مورد نوشتند، پس بنظر میرسد که اپوزیسیون جمهوری اسلامی و همچنین خیل روشنفکران "نان به نرخ روز خور" و رسانه های فارسی زبان و ...

از زن ستیزی و مردسالاری و اخلاقیات نرینه سالار حاکم و یا حفظ و پرور کردن آخوند خوش خیم و درباری دوره اش بسر آمده است. اعتراض آمینه همچون اعتراض علیا المهدی و چون اعتراض وقفه ناپذیر زنان در ایران علیه حجاب اسلامی و انقیاد جنسی و بسیاری نمونه های دیگر، اعتراض به یکی از سیاه ترین جلوه های وضعیت تیره و تاری است که به بشر امروز تحمیل کرده اند. باید در اینگونه لحظات حساس از این خانم و آقایان "حقوق بشری"، "دمکرات"، "اصلاح طلب"، "ملی اسلامی"، "گوروش پرست" و غیره عکس گرفت و ارتجاع و همراهی شان با بردگی جنسی را به همه نشان داد. (۲۷ مارس ۲۰۱۳)

آشتیانی یکبار آنرا تجربه کردیم و این بار هم به نوعی همان تجربه تکرار میشود. فراخوان من اینست بجنبید دوستان! دنیا دارد عکس العمل نشان میدهد شما که از کشوری آمده اید که به اسم ناموس، زده و کشته اند و سنگسار کرده اند بسیار بیش از اینها باید حرفی میزدید و کاری میکردید. بجنبید رفقا!

پیش بسوی ۴ آوریل گسترده و جهانی
پیش بسوی دفاع از آمیناها و گلشیفته ها و عالیها
زنده باد جنبش برابری طلبانه
زنان در کشورهای اسلام زده
زنده باد تابوشکنی زنان
مینا احدی
کلن ۲۷ ماه مارس ۲۰۱۳

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

در همبستگی با ۴ آوریل روز جهانی حمایت از آمنه

سخنی با مردم و پسران و دختران جوان در ایران

روز را به روز اعتراض وسیع خود علیه بردگی جنسی و حمایت و پشتیبانی جهانی از آمینا تبدیل کنیم. سخن من با مردم و دختران و پسران جوان در ایران است که با امضای تومار اعتراضی در حمایت از آمینا وسیعا به این اعتراض پیوندند و به هر شکل ممکن همبستگی خود را با جنبش ۴ آوریل و در دفاع از آمینا اعلام کنند.

۲۸ مارس ۲۰۱۳

<http://www.change.org/petitions/petitioning-tunisian-government-amina-must-be-safe>

جمهوری اسلامی که در آن قوانین ارتجاعی اسلامی، قوانین رسمی جامعه است، در آن فرودستی زنان و تبعیض علیه زنان قانون است، این مهم است که اقدام آمینا وسیعا با پشتیبانی و همبستگی مواجه شود. فریاد آمینا همان فریادی است که ۳۴ سال است از زبان زنان و جوانان ایران در مقابل رژیم منفور اسلامی شنیده ایم. زنان ایران با عزم و اراده حجاب این پرچم آپارتاید جنسی رژیم اسلامی را هر روز پایین تر کشیده اند. آمینا چهره ای از جنبش نوین زن در سطح جهانی است. او چهره ای از جنبش ما زنان و مردان آزادیخواه در ایران است. با پیوستنمان به فراخوان ۴ آوریل این

آمینا اسلام سیاسی و قوانین ارتجاعی مذهبی ضد زن را در سطح جهانی به چالش کشیده است. آنچه در تونس میگذرد و اعتراض عریان آمنه بیش از پیش به مردم ایران مربوط است. جمهوری اسلامی یک تکیه گاه و پایگاه مهم ارتجاع ضد انسانی اسلام سیاسی در جهان است. اعتراض آمنه ضربه ای به بنیان های هویتی رژیم اسلامی، این رژیم آپارتاید جنسی در ایران است. فراخوان من من به مردم و دختران و جوان در ایران اینست که وسیعا از ۴ آوریل و خواستها و اعتراض آمینا حمایت کنید. در کشوری چون ایران و تحت حاکمیت

مهم جهانی تبدیل شده است. بعنوان یک فعال جنبش کارگری و جنبش زنان من از امضا کنندگان این تومار هستم و روی سخنم اینجا با مردم و همه دختران و پسران جوان در ایران است. امروز آمینا صدای اعتراض همه زنان در سراسر جهان علیه بردگی جنسی است. آمینا بعد از بوغریزی دومین چهره انقلاب تونس است. او همچون عالیا المهدی نه تنها صدای اعتراض زنان در این کشور بلکه در مصر، ایران، افغانستان، پاکستان، عربستان و همه کشورهاییست که در آنها جریانات اسلامی یا در راس قدرتند و یا به شکلی در زندگی جامعه دخیل هستند.



شلا دانشفر

۴ آوریل روز جهانی در حمایت از آمینا تیلر دختر ۱۹ ساله تونسی است که در صفحه فیس بوکش عکس برهنه خود را در حالیکه بر بدنش نوشته بود، "بدنم متعلق به من است و ناموس هیچکس نیست" صدای اعتراضش را علیه بردگی جنسی زن در سطح جهانی بلند کرد و اسلام سیاسی را هویت اصلیش ضدیت با زن است، به چالش کشید. اکنون خیرها حاکی از اینست که آمنه ناپدید شده است. این درحالیست که علیه او فتوای شلاق و سنگسار داده شده است. ۴ آوریل بعنوان روز حمایت جهانی از آمنه توسط مریم نمازی چهره سرشناس جهانی جنبش زنان و منتقد اسلام سیاسی فراخوان داده شده و با استقبال و حمایت "سازمان فم" و همچنین مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه سنگسار که فعالیت های گسترده اش او را به شخصیتی شناخته شده در سطح جهانی تبدیل کرده، روبرو شده است. انعکاس این حرکت اعتراضی اکنون در تونس و در جهان ابعاد وسیعی پیدا کرده است. در این رابطه توماری در حمایت از آمنه درست شده که تا این لحظه بیش از ۱۰۰ هزار نفر آنرا امضا کرده و به این حرکت جهانی پیوسته اند. این موضوع به بحثی داغ در سطح رسانه های

ساعات پخش برنامه های کانال جدید افزایش یافت!

پخش برنامه های تلویزیون کانال جدید از چهارشنبه ۲ اسفند ۱۳۹۱ برابر با ۲۰ فوریه، به ۴ ساعت در روز افزایش یافت.

کانال جدید هر روز هفته، از ساعت ۹ و نیم تا ۱ و نیم شب بوقت ایران (۷ تا ۱۱ شب به وقت اروپای مرکزی) پخش میشود.

کانال جدید همه روزه برنامه پخش مستقیم دارد. با برنامه پخش مستقیم تماس بگیرید!

فرکانس و ساعات پخش کانال جدید را به اطلاع دیگران برسانید!

به کانال جدید کمک مالی کنید! یاری کنید تا ساعات پخش را باز هم افزایش دهیم!

کانال جدید:

شبکه کورد کانال kurd channel

هاتبرد ۸

ترانسپوندر ۱۵۵

فرکانس ۱۱۶۴۲

افقی، سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۶/۵

<http://www.newchannel.tv/>
nctv.tamas@gmail.com

شماره حساب:

England
Account nr: 45 47 79 81
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West
IBAN:GB77 NWBK 6024 2345
4779 81
BIC: NWBK GB 2L

آمنه ما را نمایندگی می کند! آمنه صدای ماست!

حقوقدان و وکیل حقوق بشر
طارق فتاح، نویسنده
تسلیمه نسرين، نویسنده
بنگلادشی
برای اطلاعات بیشتر در
مورد روز جهانی دفاع از آمنه با
مریم نمازی و اینا شچنکو تماس
بگیرید:

Maryam Namazie
tel: +44 (0)
7719166731
email: maryamna-
mazie@gmail.com
web: http://
www.maryamna-
zie.com/
blog: http://
freethoughtblogs.c
om/
maryamnamazie/
Inna Shevchenko
FEMEN
tel: +33605857180
e-mail:
femen.ua@gmail.c
om
web: http://
femen.org/en

رهائی کارگران رومانیایی
مریم هلی لوکاس، جامعه شناس
الجزایری و بنیانگذار نهاد
"سکولاریسم مسئله زنان است"
مریم نمازی، کمپینر و سخنگوی
علیه تبعیض سازمان دفاع از
حقوق زنان ایران و سازماندهنده
تقویم انقلابیون برهنه
مینا احدی، سخنگوی کمیته بین
المللی علیه اعدام و کمیته بین
المللی علیه سنگسار
نادیا ال فانی، فیلمساز تونسی،
آخرین فیلم او "نه الله نه ارباب" و
"پستانهای ما: سلاح ما"
نهلہ محمود، محقق سودانی و
فعال حقوق بشر
نینا سانکاری، سکولاریست و
رئیس سازمان زنان فمینیست
اروپایی - لهستان
ریچارد داوکینز، دانشمند
رامی حسن، نویسنده
سافیه لیدی، یکی از بنیانگذاران
"نه تن فروش نه مطیع" و
"سکولاریسم مسئله زنان است"
سهیلا شریفی، فعال حقوق زنان
سانداز حوریان، پاکستان،

و نویسنده کتاب "روزی که نینا
سیمون از خواندن باز ایستاد"
دیا، موزیسین و فیلمساز، آخرین
فیلم او "بناز، يك داستان عشقی"
در مورد قتل ناموسی
الیا تابش، زنان ایرانی در دفاع از
تقویم انقلابیون برهنه، عضو علیه
تبعیض سازمان دفاع از حقوق
زنان در ایران
فریبرز پویا، جامعه
سکولاریستهای ایرانی
فرزاد حسن، نویسنده
فاتو ساو رئیس سازمان دفاع از
حقوق زن از سنگال
فیامتا ونر، فیلمساز و نویسنده
گرتا کریستینا، نویسنده و بلاگر
هوزان محمود، سخنگوی سازمان
آزادی زن در عراق
اینا شوچنکو، سخنگوی فم،
جاسک تابیس، رئیس جامعه
عقلانیون لهستان
جوسف پاریس، سینمای رادیکال
کریم آمر، بلاگر مصری
کیان آذر، سازمان جوانان
کمونیست
ماریان تودور، رئیس سازمان

انتشار عکسهای برهنه و
فعالیتهايشان روی سایتها
مدیای اجتماعی از او دفاع کنند.
می توان طومار را امضا کرد و یا
روی توئیتر با نوشتن اسم آمنه و
تویت کردن آن او را معرفی کرد،
می توان در دفاع از او نامه نوشت
و غیره. در روز ۴ آوریل ما به
جریانات اسلامی و همه دنیا
یادآوری می کنیم که اپیدمی و
فاجعه واقعی که باید ریشه کن
شود زن ستیزی چه از نوع اسلامی
و یا غیر آن است.
امضا کنندگان:
علیا ماجده المهدی، انقلابی
مصری که عکسهای برهنه خود را
روی سایتها گذاشت!
آلینا ایزابیل پرز، فیلمساز
آماندا براون، بنیانگذار ما
آنتیسم هستیم.
آنی سوغیر، رئیس لیگ دی
درویت، انترناسیونال فمینیستی
کارولاین فورست، نویسنده،
ژورنالیست، آخرین فیلم او
"پستانهای ما: سلاح ما"
دارینا ال جوندی، هنرپیشه لبنانی

آمنه دختر ۱۹ ساله تونسی که
عکس برهنه خود را روی سایتها
گذاشته بود، اکنون در خطر مرگ
قرار دارد. در این عکس آمنه روی
بالا تنه برهنه خود نوشته "بدن
من متعلق به خودم است و
ناموس هیچ کسی نیست".
آخوند عادل عالمی رئیس یک
سازمان اسلامی، خواهان شلاق
زدن و سنگسار آمنه شده و گفته
اقدام آمنه موجب بدبختی میشود
و "فاجعه و اپیدمی به بار می
آورد و می تواند واگیر باشد و به
زنان دیگر هم سرایت کند!"
ما امضا کنندگان زیر به
صراحت از آمنه دفاع کرده و
خواهان آنیم که زندگی و آزادی
این زن جوان مورد حمایت قرار
گرفته و کسانیکه او را تهدید
کرده اند فوراً مجازات شوند.
**ما تاریخ ۴ ما آوریل ۲۰۱۳
را روز جهانی دفاع از آمنه
اعلام میکنیم!**
در این روز و بعد از آن افراد
و گروههای مختلف می توانند با

کمیته یادمان کشتار زندانیان سیاسی دهه ۶۰ در ایران - مونترال برگزار میکند

سخنرانی حمید تقوایی
لیدر حزب کمونیست کارگری

"بحران همه جانبه جمهوری اسلامی و
چشم انداز انقلاب در ایران"

شنبه ۳۰ مارس ساعت ۶ بعد از ظهر

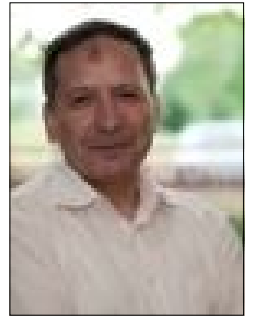
در کتابخانه اتواتر

تقاطع سنتکاترین و اتواتر (مترو اتواتر)

1200 Atwater (Metro Atwater)



برگزاری "انتخابات"، هراس و بن بست رژیم



بهروز مهربادی

سر و صدای بازیکنان نمایش چندش آور "انتخابات" بالاتر رفته است. مردم به دقت نظاره گر صحنه هستند، اما بجز در میان شرکت کنندگان آن، هیچانی دیده نمی شود. کسی به نتیجه این "انتخابات" علاقه ندارد، اما همه با علاقه این نمایش را دنبال می کنند.

نماینده ولی فقیه وظیفه سپاه پاسداران را مهندسی معقول انتخابات اعلام می کند. احمدی نژاد خط و نشان میکشد که: "هر کس بخواهد مدیریت کند، مردم او را مدیریت می کنند." "هر جا مشائی تهدی می کند: "هر جا شائبه ای نسبت به تاهمین سلامت انتخابات باشد، رئیس جمهوری برخورد خواهد کرد." "برادران لاریجانی، روسای مجلس و قوه قضائیه در مورد دخالت و کارشکنی رئیس جمهور در انتخابات هشدار می دهند. خامنه ای مفلوک تر از آن شده که بتواند در مقابل رئیس جمهور خود گمارده، واکنش جدی نشان دهد. رفسنجانی منتظر فراهم شدن فرصت مناسب برای وارد شدن به میدان در گوشه صحنه کمین کرده است. در حاشیه این سیرک اصلاح طلبان جست و خیز می کنند. ولی

فقیه در پیام نوروزی خود قیافه پدرا نه میگردد که: "در انتخابات آینده همه سلیقه ها و جریان های معتقد به نظام باید مشارکت کنند." همین يك جمله کافی است که آب از لوجه اصلاح طلبان سرازیر شود. هیچان زده میشوند، برای رهبر دم تکان می دهند و در وصف سعه صدر ایشان مداحی می کنند. همپالکی هایشان در خارج کشور ذره بین بدست می گیرند تا نکات "مثبت" بیانات آیت اله خامنه ای را استخراج کنند. قبل از آن ۹۱ نفر از آنها برای محمد خاتمی نامه نوشته و از او خواسته اند که با شرکت در انتخابات، "جهاد اکبر" کند. اما این عبا برای اسکلت باقی مانده از اصلاح طلبان خیلی گشاد است. با تشر امام جمعه تهران ساکت شده و بعضی امضای خود در پای این نامه را انکار می کنند.

مسابقه افشای ارقام نجومی دزدی ها و چپاول ها بطور موقت متوقف میشود، اما پرونده ها همچنان باز است. کشمکش به شکل های دیگری ادامه پیدا می کند، روزنامه خورشید متعلق به سازمان تاهمین اجتماعی در صفحه اول خود تیتر می زند: "اسفندیارتان بهار می آید" و رسما حمایت خود را از اسفندیار رحیم مشائی نشان می دهد. احمدی نژاد چنگال های خود را نشان می دهد و سعید مرتضوی یعنی یکی از کثیف ترین و جنایتکار ترین کارگزاران رژیم و مالک سازمان تاهمین اجتماعی را به صحنه "انتخابات" می آورد. مهدی طائب یکی دیگر از جانیمان رژیم و فرمانده قرارگاه عمار تیم احمدی نژاد را به کارشکنی در برگزاری

انتخابات متهم می کند. جرمی که می تواند عواقب سنگینی داشته باشد. نزاع تنها برای تصرف يك ارگان قدرت و در اختیار گرفتن بزرگترین منبع ثروت نیست. جدال بر سر بقا است. هر کدام از طرفین می دانند در صورت شکست نه تنها از دسترسی به غنائیم محرومند بلکه حتی زندگی و هست و نیستشان در امان نخواهد بود. هر کدام منتظر فرصتی است تا طعمه را از پوزه بغل دستی خود بیرون بکشد. اصولگرایان، اصلاح طلبان، دولت، مجلس، سپاه، بسیج و... همه از هم می ترسند، یکدیگر را میشناسند و از ظرفیت عظیم یاران و همکاران قبلی و فعلی خود برای انجام جنایت، با خبرند.

اما بیشترین وحشت آنها از مردم است. نگاه های میلیونها نفر مردم خاموش و خشمگین بر سر بازیکنان نمایش "انتخابات" سنگینی می کند. مهم نیست که کدام جانور را از صندوق بیرون می آورند. جمهوری اسلامی در بن بست قرار دارد، بحران عمیق اقتصادی و سیاسی رژیم با "انتخابات" و پیدا کردن رئیس دولت جدید حل شدنی نیست. تغییری هم در سرعت سقوط زندگی مردم به عمق بدبختی و فلاکت و میزان نفرت آنها از حکومت اسلامی، نمی دهد. این نمایش براحته می تواند به يك جدال سهمگین تبدیل شود، شکاف های درون رژیم را عمیق تر و آنرا در مقابل یورش مردم فلج و ناتوان کند. هم مردم و هم رژیم این را بخوبی می دانند. در اوج دعوا ها یکدیگر را از دخالت مردم می ترسانند. وزارت اطلاعات آمادگی نیروهای خود را اعلام کرده است. سپاه، بسیج و نیروهای انتظامی در تهران و شهرستان ها مانور های مقابله با شورش گرسنگان برگزار

می کنند. تنها نقطه وحدت باندهای مختلف نظام، هراس آنها از به خیابان آمدن مردم و بالا گرفتن شعله های انقلاب است. می دانند که در اینصورت از جمهوری اسلامی چیزی بجز تاریخی از يك دوران دهشتناک کشتار و غارت و وحشت، باقی نخواهند ماند.

برگزاری "انتخابات" و بالا گرفتن دعوای درون نظام همیشه فرصتی برای مداخله مردم فراهم کرده است. قدرتمند ترین آن در سال ۸۸ اتفاق افتاد که جمهوری اسلامی را در آستانه سرنگونی قرار داد که تهاجم و کشتار سبعانه رژیم صفوف فاقد رهبری مردم را به عقب راند. اما شرایط امروز با چهار سال پیش تفاوت زیادی کرده است. شکاف های درونی رژیم بیشتر شده است. فقر و فلاکت و به همان میزان نفرت و انزجار مردم از جمهوری اسلامی چندین برابر شده است. صفوف درون حکومت به هم ریخته، اصولگرایان که اهرم های اصلی قدرت را در دست دارند، چندین شقه شده اند. انقلابات منطقه و پیروزی های آنها منابع الهام بزرگی برای مردم ایران هستند و تجربیات با ارزشی با خود داشته اند. جنبش کارگری ایران قدرتمند تر از هر زمان دیگری است و رهبران آن با تجربه بیشتر و پخته تر هستند.

شرایط سال ۸۸ تکرار شدنی نیست. مردم دست بالاتری می توانند داشته باشند و قدرتمند تر در مقابل رژیم می توانند ظاهر شوند. درسهای انقلاب ۸۸ و

انقلابات منطقه در سالهای اخیر پیش روی مردم قرار دارد. فقدان يك رهبری روشن بین که برای به پیروزی رساندن انقلاب و تحقق خواسته های انسانی آنها برنامه و هدف داشته باشد، بزرگترین ضعف این انقلابات بود. اما آنچه که انقلاب آتی مردم ایران را از سایر انقلابات منطقه متفاوت میسازد، وجود حزب کمونیست کارگری است که توانسته است خواست های خود آزادخواهانه و برابری طلبانه مردم را منعکس می کند و تاثیر خود را بر مبارزات مردم بگذارد. خواسته هایی چون مبارزه علیه اعدام و سنگسار، برابری زن و مرد و لغو آپارتاید جنسی، کوتاه کردن دست مذهب از دولت و امور جامعه و آزادی بیقید و شرط بیان، حق برخورداری همگانی از يك زندگی مرفه و مدرن بصورت شعارهای مردم و کارگران در مبارزه هر روزه آنها علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده است. در مقابل سرکوب و جنایات سازمان یافته حکومت باید بر مبنای اهداف و برنامه مشخص و روشن متحد شد. حزب کمونیست کارگری این برنامه و این اهداف را در مقابل جامعه قرار داده و اعتراض و نقد عمیق انسانی مردم را به نظام موجود نمایندگی می کند. باید به آن پیوست و صفوف آن را تقویت کرد، هر چه قدرتمند تر به مضاف حکومت جهل و جنایت و غارتگری رفت و بساط "انتخابات" را بر سر جمهوری اسلامی خراب کرد.*

International Committee Against Stoning

(<http://stopstoningnow.com>)

International Committee Against Execution

(<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:

Spokesperson: minaahadi@aol.com

0049-177-569-2413

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

نیروی انتظامی و کارنامه یک شکست



کاظم نیکفواه

احمدی مقدم یکی از جنایتکارترین چهره‌های جمهوری اسلامی است. او رئیس پلیس و نیروهای انتظامی این حکومت است. ارائه کارنامه نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی توسط این شخص حقیقی را بیان میکنند که برای ما مردم سرنگونی طلب بسیار مهم و آموزنده است. بطور واقعی حرف تازه ای برای ما مردم در "کارنامه" نیروی سرکوب حکومت نیست اما وقتی خود جنایتکاران گوشه‌هایی از شکست خود را اعتراف میکنند، در واقع گوشه‌ای از کارنامه پیروزی‌های ما مردم را هم بر ملا میکنند. و این را بویژه باید به ناباوران نشان داد. بگذارید چند جمله از کارنامه نیروهای جنایتکار حکومت را از زبان رئیس آن بشنویم تا کارنامه مردم سرنگونی طلب را بیشتر و بارزتر ببینیم. بنا به گزارش "خبرگزاری مهر" احمدی مقدم در معرفی کارنامه سال ۹۱ پلیس و نیروهای انتظامی از جمله میگوید: "در حالی که استفاده از ماهواره ۵۰ درصد کاهش یافته است، هنوز ۱۴ میلیون ایرانی ماهواره می‌بینند"

نفس همین یک قلم نشان میدهد که چگونه مردم حکومت

اسلامی را مستاصل کرده اند. چندین سال است طرحهای متعدد و ضربتی برای جلوگیری از نگاه کردن به کانالهای تلویزیون اپوزیسیون به کار گرفته اند، محلات را قرق کردند، دست جنایتکارانشان را برای تعرض به مردم بازگذاشتند، دیشهای ماهواره ای را خرد کردند، به مردم توهین کردند و گفتند حتی یک بشقاب تلویزیونی را در هیچ شهری باقی نمیگذارند، تازه میگویند سال گذشته (که آنرا امن ترین سال حکومت میخوانند) ۱۴ میلیون نفر بیننده تلویزیون ماهواره ای بوده اند. و این یک "کاهش" ۵۰ درصدی را نشان میدهد. یعنی اگر این عدد را مبنا بگیریم به اعتراف خود اینها تا سال قبل یعنی سال نود ۲۸ میلیون نفر کانالهای ماهواره ای را دنبال میکردند. و همه میدانیم که میزان کوچک نمایی حقیقی از این دست توسط دست اندرکاران حکومت بسیار بالاست. و این به اصطلاح "کاهش" تنها دروغی است برای اینکه در برابر روسایش بگوید با وجود این همه بیننده تلویزیونهای اپوزیسیون، بهرحال کاری انجام شده است و آن هزینه ها و لشکرکشی‌ها و جنایتها بی تاثیر نبوده است.

احمدی مقدم در ادامه میگوید "نمی‌توانیم مانند عربستان افرادی را استخدام کنیم، چون دستشان دهیم و بگوییم مردم را امر به معروف و نهی از منکر کنید. نباید کاری کنیم که در جامعه نسبت به این موضوع حس تنفر ایجاد شود. باید بتوانیم با استفاده از ابزار جدید مانند رسانه و ابتکارات

فرهنگی این موضوع را اجرایی کنیم" واقعا؟! این را چه کسی دارد میگوید؟ رئیس نیروی سرکوب حکومتی که ۳۰ سال است با بیرحمی تمام خیل مزدوران مسلحش را به جان دختران و پسران و کل مردم انداخته است تا "امر به معروف و نهی از منکر" کنند. جنایات این جانوران قابل توصیف نیست. اما آیا همین جمله نشان نمیدهد که در جنگی که در صحنه جامعه بر سر پیاده کردن سنتهای اسلامی ۳۰ سال است جریان دارد، حکومت اسلامی سرمایه داران بازنده بوده است؟ همه میدانند که احمدی مقدم یکی از جنایتکارترین چهره های حکومت است که یک قلم جنایاتش کشتار و شکنجه و تجاوز به زندانیان در کهریزک بوده است. اکنون ایشان با زبانی نرم میگوید "باید کار فرهنگی کنیم" چون نمیتوانیم چوب دست افرادمان بدهیم که مردم را امر به معروف و نهی از منکر کنند!

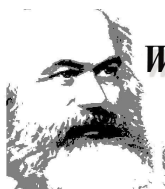
نکات زیاد دیگری نیز در گفته های احمدی مقدم وجود دارد. از جمله اینکه زیر فشار اعتراضات بین المللی به قتل ستاره‌پشتی میگوید ماموران "قصور کرده اند"، اینکه اعتراف میکنند که سال ۸۸ در جریان تظاهرات "بزرگان نظام" متزلزل شده بودند اما از صفوف نیروهای انتظامی "کسی فرار نکرد" و وحشت از ناآرامی‌ها در نمایش انتخاباتی پیش رو.

این کارنامه لشکر مزدوران حکومت اسلامی را باید به همه اطلاع داد. باید حلاجی و بررسی کرد و در میان خطوط نانوخته آن کارنامه ما مردم را دید. در

جنگی که در جامعه علیه حکومت جریان دارد علیرغم همه جنایتها، بدون تردید ما مردم بسیار جلو آمده ایم و سنگرهای را فتح کرده ایم. شاید خودمان باور نکنیم. شاید برخی که سهمی در حفظ حکومت دارند مدام قدرت حکومت را برحمان بکشند تا صفوفمان را متزلزل کنند تا بتوانند استراتژیهای سازش نظیر "انتخابات آزاد" و مذاکره و رفم و اصلاحات و امثال این خزعبلات را به خردمان دهند. و ما باید پیشروی مان را در تزلزل استراتژیهای سازش ببینیم. باید عزممان را جزم تر کنیم. و بدانیم که این حکومت باید تماما جارو شود و ما مردم، ما زنان و مردان ضد آپارتاید جنسی، ما جوانانی که ذره ای سرسازش با ارتجاع متعفن عهد عتیقی نداریم، و ما کارگران و معلمان و پرستاران و همه ما مردم، در مسیر سرنگونی حکومت اسلامی بسیار جلو آمده ایم. و بطور قطع میتوانیم در آینده ای نه چندان دور کار این وحشیان مفتخور و سرمایه دار را تمام کنیم.

یک نکته دیگر را هم باید اضافه کرد و آن اینکه در ایران مردم و نیروهای سرنگونی طلب فقط خواهان سرنگونی حکومت

اسلامی سرمایه داران نیستند. بلکه به درجه زیادی میدانند که به جای این حکومت چه حکومتی و چه جامعه ای را میخواهند جانشین کنند. سی سال جنگ خونین با حکومت اسلامی بر سر حقوق پایه ای و انسانی، و نقش فعال نیروهای کمونیست و کارگری، جبهه انسانی و آگاه و پیشروی را شکل داده است که میتواند در جهان الگو باشد. این جامعه ای است که بر سر حقوق برابر زن و مرد و حقوق کودکان و آزادیهای سیاسی و استانداردهای بالای رفاهی و غیره با حکومت مقابله کرده است و پلاتفرم های آینده اش را در کیفرخواستهای رادیکال اول مه، هشت مارس، و سخنرانی‌ها و جدالها و اعتصابات و اعتراضات کارگری بسیار متعدد و جنبش زنان و جوانان و جنبش های متعدد دیگر، به زبانهای مختلف اعلام کرده است. تردیدی نباید داشت که جامعه ای که بر ویرانه های حکومت اسلامی سرمایه داران پایه ریزی خواهد شد، دقیقا عکس خصوصیات این حکومت و نظام ضد انسانیش را خواهد داشت و در جهان بعنوان الگو و سمبل یک جامعه آزاد و انسانی و پیشرو ارزیابی خواهد شد.*



WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wpiran.org

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

اساس سوسیالیسم انسان است!

اژدهای اسلام سیاسی را باید از هر طرف مورد حمله قرار داد

در دفاع از آمنه تایلر در تونس



شیوا مهبوبی

اژدها باید قربانی شود، صاحب داشته باشد، تحت کنترل باشد، اختیار جسم و زندگی خود را نداشته باشد. زن از منظر این اژدها انسان برابر با مرد نیست، ناموس و مایملک مرد است. بدن زن از منظر این اژدها منبع فساد و تباهی است.

اگر می‌خواهیم این اژدهای چند سر که روز بروز زخمی تر و ناتوان تر میشود را از پا در بیاوریم باید هر جا این اژدها سر بر آورد به او حمله کنیم. در ایران، تونس، مصر، افغانستان، سودان، قلب اروپا و آمریکا فرق نمی‌کند باید همزمان این اژدها را مورد حمله قرار بدهیم. اگر در تونس یک جریان اسلامی آمنه را تهدید به سنگسار و شلاق می‌کنند این وظیفه تک تک ما مدافعین برابری زن و مرد است که از هر طریق ممکن برای نجات جان آمنه تلاش کنیم. اگر این اژدها بتواند یک قربانی بگیرد قربانیهای دیگری هم میتواند بگیرد. مقابله با تهدید آمنه تنها به تونس و آمنه و زنان تونس ختم نمی‌شود، به من و شما ربط مستقیم دارد. اگر اژدهای اسلام سیاسی با دولتها و سازمانهای اسلامیش ضیف شده است به خاطر مبارزه ما زنان و مردان آزادیخواه است. پس تنها راه از پا در آوردن این اژدها که چیزی بجز مرگ و شکنجه و نفرت به دنیا نداده است ادامه این مبارزه است.

در عکس العمل به حمله به آمنه توسط اسلامیون هزاران نفر در سراسر دنیا دست به اعتراض زدند. زنان زیادی در حمایت از آمنه بعد از به قدرت رسیدن زندانها را از جوانان انقلابی که

ادامه صفحه ۱۱

تجاوزحربه ی کثیف اسلامی

فرح صبری

مخالف جمهوری اسلامی بودند پر کردند و شکنجه ی عریان و افسار گسیخته ای در زندانها رواج یافت. تجاوز به عنوان یکی از شکنجه های بسیار مخرب که نه تنها جسم زندانیان را مورد تعرض قرار میدهد بلکه روح و روان آنها را بشدت تخریب می‌کند به یکی از حربه های اصلی اراذل و اوپاش اسلامی برای در هم شکستن مقاومت زندانیان بدل شد. سربازان کثیف اسلامی نه تنها وجود شکنجه و تجاوز را در زندان منکر نمیشدند بلکه با وقاحت بی نظیری با القاب مذهبی "تعزیرات" و "حدود" شرعی به اعمال جنایتکارانه شان رنگ ایدئولوژیک میزدند. جنایتکاران اسلامی به چشم مردم بیشترمانه نگاه میکردند و از تجاوز به دختران باکره قبل از اعدام سخن میگفتند و برای پدران و مادران داغدارشان جعبه ی شیرینی میفرستادند تا عروس شدن فرزندانشان را تبریک بگویند! این بیشرمی و وقاحت را تنها در میان جانوران اسلامی میتوان سراغ گرفت. همچنین در سال ۸۸ باوج گرفتن مبارزات مردم ایران جنایتکاران اسلامی بار دیگر حربه ی تجاوز را اینبار به طور وسیع در مورد مردان و زنان به کار گرفتند تا بار دیگر وحشی گری خود را به رخ بکشند و به این ترتیب چنگ و دندان نشان دهند و ارباب و وحشت را در جامعه رواج دهند. در برخی موارد زندانیانی که بعد از تجاوز از زندان آزاد شده بودند باز هم مورد پیگیری و اذیت و آزار اراذل و اوپاش اسلامی قرار میگرفتند و برای سوءاستفاده های بیشتر، آنها و خانواده هایشان را مورد تهدید قرار میدادند. جمهوری اسلامی حتی عامدانه به رواج اخبار تجاوز و شکنجه های قرون وسطایی که در بازداشتگاه کهریزک و دیگر

ادامه صفحه ۱۱



زندانهایش جریان داشت پرداخت و یا در مورد قتل ستار بهشتی کارگر وبلاگ نویس، شکنجه هایی که در مورد وی انجام گرفته بود را با ذکر جزئیات در جرایدشان نوشتند تا به خیال خودشان در عزم مردمی که سرنگونی نظامشان را نشانه گرفته اند خللی ایجاد کنند. اما جوانان در کوران مبارزاتشان در سال ۸۸ با شعار "توب، تانک تجاوز دیگر اثر ندارد" پاسخ دندان شکنی به بیشرمی مزدوران اسلامی دادند. مردم با مبارزات پیگیرشان آنچنان چهره کریه اسلام را عیان کردند که دیگر هیچ انسان شریفی در هیچ گوشه ی دنیا نسبت به جنیان اسلامی توهمی ندارد. خشم و انزجار مردم ایران و منطقه از اسلام و قوانین متعفن آن نیز به سبب مبارزات مردم ایران و عیان کردن چهره کثیف حکومت اسلامی است. هرچند متاسفانه در مواردی جلادان کثیف اسلامی با تجاوز و شکنجه های بیرحمانه آنچنان روح و روان زندانیان را آزرده میکنند که در یک عکس العمل اعتراضی منجر به خودکشی ویا خودسوزی زندانیان پس از آزادی میشود اما بهترین راه اعتراض به اعمال غیرانسانی مردوران حکومتی، عیان کردن جنایات آنها و پرده برداشتن از اعمال پلیدشان میباشد. باید قربانیان تجاوزبا افشاگریهای هرچه بیشتر و صحبت کردن درمورد جنایاتی که در زندانها اتفاق میافتد، این حربه ی کثیف

جمهوری اسلامی و "معضل امنیت"، امنیت چه کسی خطر است؟



محمد شکوهی

از يك هفته مانده به چهارشنبه سوری سال ۹۱ حکومت طرح ها و تدارك امنیتی گسترده ای را در دستورخود گذاشته است. گفتند که نزدیک به ۳۰۰ هزار نفر پاسدار و بسیج امر "تامین امنیت" چهارشنبه سوری را در دست گرفته اند. بعد از تحویل سال جدید احمدی مقدم و رادان در صدا و سیما ظاهر شده و خبر از طرح گسترده امنیتی دیگر دادند. این بار به بهانه "کنترل ترافیکی" ۵۰۰ هزار نیروی نظامی را در سراسر کشور به حالت آماده باش در آورده و در محورهای مواصلاتی و جاده ها مستقر کردند. وزرات اطلاعات رژیم بیانیه داده و در "۲۳ مورد هشدار امنیتی به مردم داده و از مردم خواست برای تامین امنیت حکومت همکاری نمایند". پا بپای این امر یگانهای هوایی و فرودگاههایی را در عرض چند روز آماده کرده و اعلام کردند که این کار برای "کنترل ترافیک جاده ها" است تا نیروی انتظامی همه جا جریان ترافیک را در نظر داشته باشد. اینها فقط چند رقم اقدامات و تدابیر امنیتی حکومت در آستانه سال جدید می باشد.

در تازه ترین اقدامات، مصلحی وزیر اطلاعات اعلام کرد که "تمهیدات لازم برای تامین امنیت انتخابات در جریان می باشد". سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس اعلام کرد که بودجه نهاد ها و ارگانهای نظامی و امنیتی ناکافی است و خواهان افزایش بودجه شده است. بطور ویژه وی درخواست در دستور قرار گرفتن موضوع بودجه

برای وزرات اطلاعات، کشور، ارشاد اسلامی، سرویس های امنیتی و اطلاعاتی و نیروهای نظامی شده است. دار و دسته های مجلسی و لاریجانی هم این موارد را تأیید و دستورات اقدامات لازم را برای تامین بودجه داده اند. این در حالی است که بودجه ۹۲ هنوز در رفت و آمد باندهای حکومتی، شورای نگهبان، مجلس و دولت می باشد. موضوع بودجه بندی امنیتی در صدر اولویتهای ارگانهای رژیم قرار دارد. بانزدیک شدن به موعد مضحکه انتخابات حکومت داد و فریادهای باندهای حکومتی پیرامون تامین بودجه لازم برای این امر زیاد تر شده و هر باند رژیم تقاضا و درخواست بودجه ای ویژه به مجلس میدهند. سران نظام، دولت و باندهای وابسته به بیت رهبری مدام از اهمیت "امنیت انتخابات" حرف زده و اعلام کرده اند که برای جلوگیری از "اتفاقات غیر قابل پیش بینی شده" منظور به میدان آمدن اعتراضات مردم - باید اقدامات و تدابیر "پیشگیرانه" را در دستور فوری خود بگذارند. سوال این است که چرا جمهوری اسلامی این همه هزینه برای تامین امنیت خود می کند؟ یا به عبارتی امنیت چه کسی و چرا در خطر است؟

در پاسخ به این سوالات توضیح چند نکته ضروری است. اول کل جمهوری اسلامی مورد نفرت و انزجار و خشم مردم می باشد. جمهوری اسلامی خودش يك فاکتور مهم ناامنی اجتماعی در ایران است. مردم این نظام را نمی خواهند. برعلیه حکومت بارها به میدان آمده و اعتراض کرده اند. در طول سه دهه گذشته نزدیک به سه بار رژیم تآستانه سرنگونی رفته است. خود رژیم متوجه مخالفت گسترده مردم بوده و برای سرکوب و بالا بردن آمادگی ها و ظرفیت های سرکوبش در برابر هر تحرك مردم بر علیه حکومت، که در این سالها کم نیز نبوده است،

موضوع "امنیت نظام" را اولویت اول خود قرار داده و هزاران میلیارد تومان هر ساله برایش هزینه می کند. هزینه های نظامی برای "امنیت حکومت" نزدیک به يك سوم کل هزینه ها و بودجه سالانه را به خود اختصاص داده است. مقوله امنیت رژیم، به عبارتی سرپا نگه داشتن حکومت با صرف هزینه های نجومی، همواره موضوع حیاتی حکومت بوده است. جمهوری اسلامی در محاصره خشم و نفرت و اعتراض مردم قرار دارد. این را خود سران رژیم به خوبی میدانند و دقیقاً برای جلوگیری از سرنگونی حکومتشان توسط مردم است که این همه صحبت از امنیت کرده و برایش هزینه می کنند.

رژیم اعتراف می کند که امنیتش در خطر است. نه خطر دشمن خارجی و یا حمله نظامی آمریکا و... بلکه خطر داخلی. خطر از جانب اعتراض و مبارزه مردم. استدلال "حفظ امنیت نظام" بر مبنای به میدان آمدن گسترده مردم در اعتراضات گسترده در طول حکومت اسلامی و مورد آخر آن سال ۸۸، استوار بوده و تبدیل به يك رکن مهم برای تامین بقای رژیم شده است. دهها ارگان، سازمان و نهاد های امنیتی مختلف در کنار نیروهای رنگارنگ مسلح رژیم بوجود آمده است. خودشان به وجود ۴۶ ارگان و نهاد اطلاعاتی و امنیتی بجز نیروهای نظامی کلاسیک، نظیر ارتش، سپاه و بسیج و... اعتراف کرده اند. در کنار این تعداد، دهها نهاد، ارگان و دار و دسته های موقت در مناسبتهای گوناگون نظیر انتخابات های حکومتی سازمان داده و میدهند.

موضوع "تامین امنیت انتخابات" ریاست جمهوری در خرداد ۹۲ يك معضل جدی و مهم حکومت می باشد. کل نظام مهمترین اولویت خود را "تامین امنیت انتخابات" حکومت اعلام کرده است. مجلس، دولت و بیت رهبری، به همراه دم و

دستگاه عریض و طویل سرکوب نظامی در حال آماده باش بسر می برند. علاوه بر این دهها باند و دار و دسته، ارگانهای "امنیتی ویژه" انتخابات "حکومت در وزارت خانه های اطلاعات، کشور، ارشاد، مجلس، دولت، نیروهای غیر رسمی، گله های اوباش لباس شخصی و موتور سوار و گروههای ترور مخفی و آشکار رژیم را به راه انداخته اند. اعلام کرده اند که بخش اعظم توان نیروی نظامی، اطلاعاتی و امنیتی رژیم برای "تامین امنیت انتخابات" بسیج شده و کارهایش را شروع کرده است. در کنار این اقدامات دولت اعلام کرد استاندارها و فرماندارها در سراسر کشور موظف هستند علاوه بر اقدامات سراسری رژیم برای تامین امنیت انتخابات، در سطح محلی، استانها و شهرهای بزرگ، "گروههای ویژه" برای تامین امنیت انتخابات سازمان داده و یا ستاد انتخابات و نیروی انتظامی در تماس مداوم باشند. سران و مقامات رژیم در تبرینها، صدا و سیما مشغول جو سازی گسترده و امنیتی کردن فضا و جو جامعه برآمده اند. حجم اخبار و گزارشات امنیتی که این ها پخش می کنند، خود گواه ترس و وحشت حکومت در آستانه انتخاباتش می باشد.

و بالاخره خود رژیم میدانند برگزاری این انتخابات در حالی که صفوف حکومت حسابی به هم ریخته، هر باندی باند دیگر را مسئول این وضعیت قلمداد کرده و بر علیه باند دیگری دست به افشاکاری میزند، يك کابوس وحشتناک رژیم می باشد. کابوسی که ترس و وحشت رژیم از به میدان آمدن اعتراضات مردم را هر روز جلوی چشمانش میگیرد. اینکه آیا حکومت خواهد توانست "امنیت انتخاباتش" را تامین و بی دردسر انتخاباتش را برگزار نماید، خود زیر سوال است. بزرگترین سوالی که هر بار در آستانه انتخابات در برابر رژیم قرار دارد، تا

آنجایی که به انتخاباتهای بعد ازدهه ۸۰ شمسی حکومت برمیگردد، سالم بیرون آمدن کل نظام از انتخاباتش، هیچ موقع براهتی صورت نگرفته است. در کنار این وضعیت، دخالت مردم و به میدان آمدنشان در انتخابات حکومتی، گسترش اعتراض و مبارزه شان بر علیه رژیم در طول این سالها، تعرض به حکومت را نیز نهادینه کرده است. به عبارتی مضحکه انتخابات حکومت، همیشه بهانه فرصتی بوده که مردم وارد صحنه شده و تا حدود زیادی بازیهای حکومتی باندهای حکومتی را به هم ریخته و تعرض به کل حکومت را در پیش گرفته اند. آخرین مورد آن موج اعتراضات میلیونی در انتخابات ۸۸ بود که به اعتراف حکومت نظام را تا آستانه سرنگونی سوق داد. انتخابات ۹۲ و به میدان آمدن و دخالت مردم، يك خطر جدی برای کل نظام می باشد. ترس و وحشت رژیم از مردم يك فاکتور بسیار مهم حکومت برای گسترش تدابیر امنیتی و اعلام دوفاکتوی حکومت نظامی می باشد. اینکه با تمام این تدابیر آیا جمهوری اسلامی موفق به برگزاری بی دردسر و بی خطر انتخاباتش خواهد شد، خود زیر سوال می باشد. خود حکومت که صحبت از به میدان آمدن "فتنه های دیگر" میکنند که خطرناکتر از فتنه های قبلی می باشند. از "فتنه های اقتصادی تا شورش پا برهنه گان" ادبیات و اصطلاحات حکومتی می باشد که نشان دهنده ترس و وحشتشان از مردم و اعتراضاتشان می باشد. انتخابات سنتا صحنه رویارویی مردم و حکومت بوده و است. انتخابات ۹۲ هم از این قاعده مستثنی نخواهد بود. مضحکه انتخابات حکومت، يك رویارویی و جنگ بین مردم و حکومت خواهد بود. با تمام تدابیر و اقدامات امنیتی، گسترش سرکوب و حکومت نظامی اعلام نشده، هنوز که هنوز است رژیم نگران اوضاع می باشد. نگران به میدان آمدن مردم و دخالت در آن. هنوز همه چیز باز است.*

پای صحبت های یک "کارآفرین"!

مهراب دشتی

ورنگش.

پرسیدم: کارگرمی خواین؟

گفت: تا چی باشه.

گفتم: بافنده.

پرسید: مبتدی یا اوستا کار؟ گفتم:

اوستا کار.

گفت: راضیش می کنیم.

پرسیدم: ماهی چقدر؟

گفت: هرچی که مزدشه.

پرسیدم: مزدش چقدره؟ گفتم:

هرچی که قانون گفته.

پرسیدم: قانون گفته چقدر؟

گفت: البته ما به کارنگاه می کنیم.

پرسیدم: خلاصه چقدر مزد می

دین؟

گفت: اگه کارش خوب باشه ۳۰۰

تومن، تا ۴۰۰ هم جا داره.

گفتم: خسته نباشین با این مزد

تون!

گفت: جاهای دیگه ۲۰۰ تومن هم

نمی دن. تازه تا پارسال و پیرارسال

۴۰ - ۳۰ تومن می دادن. ما که

اومدیم مزد رو بردیم بالا.

پرسیدم: شما مگه از کجا اومدین؟

مسافران سالن را دور می زدند و گلیم ها و جاجیم ها و قالی ها راتماشامی کردند. نخ های رنگارنگ آویزان شده درزیر نور رنگی لامپ ها، فضایی رویایی به سالن می داد. بالای سکوی کوتاه، چند دار قالی گذاشته بودند که فقط پشت دو تا از آن ها، دو زن جوان نشسته بودند و با انگشت های باریکشان، تند تند گره می زدند.

مردی که وسط سالن پشت میز نشسته بود، وقتی کنجکاو می ما را دید از جایش بلندشد و به طرفمان آمد. پرسید: چه کمکی می تونم به شما بکنم؟ و سر صحبت باز شد.

- این تابلو فرش ها چند؟

- متری یک تومن!

گفتم: زیاد نیست؟

گفت: الان فرش اشغال رو می دن

متری یه تومن. ما جنس مون فرق

می کنه. از نقشه ش بگیرین تا بافت

گفت: نخ و مواد و دار قالی برای ما ۲۰۰ هزار چوب آب می خوره!

گفتم: با این حساب هرتابلو فرش یک متری ۵۰۰ هزارتومن هزینه داره. ۵۰۰ هزارتومن هم سود براتون می مونه.

گفت: خواب سرمایه ی ما رو حساب نمی کنی؟ تازه مدیریت ما چی؟ کارآفرینی ما رو هم حساب کنین. کی میاد ۶۰۰ کیلومتر از

تهران دور بشه و کارگاه بزنه تا یه مشت زن و دختر بی کار، نونی ببرن؟! مافقط همون دعایی که این دختر و زن ها به جون مون می

کنن، بسمونه. ما باعث شدیم که هم پولی بیاد دستشون و هم هنرشون یادشون نره. ما زیاد دریند سود مود نیستیم. اگه بودیم که

سرمایه ی زبون بسته مون رو می زدیم تو کار مسکن. می زدیم تو کار دلار ... ولی گفتیم بذار تولید

ملی رونق بگیره. بذار این بیچاره ها به نوایی برسن. ثواب داره. همه چی که پول نیس. ما به فکر آخرت

مون هم هستیم. بعد کارتش را داد وگفت: هرکی از ما فرش بخره سال آینده

اگه فرش ما رو با فاکتورش بیاره ما یه چیزی بالاتر از قیمت ازش می خریم. اینجا فقط ما این کار رو می کنیم. بقیه به قیمت فرش کهنه می خرن. ما چون برای برند مون ارزش قائلیم فرش پارسالی مون رو گرون تر از قیمتی که فروختیم، می خریم. این هم واسه اینه که مشتریامون، نونی برده باشن ...

مرد یک ریز داشت حرف می زد. صدای سازودهل می آمد. از کاروانسرای قدیمی بیرون آمدیم. کنار سیاه چادرهای عشایری، مردان زیادی یک دست درشال کمر بغل دستی و دستمال به دست، می رقصیدند. چندسرباز باتوم به دست آن دورترها به تیرک چادرها تکیه داده بودند و به بستنی شان لبیس می زدند. در سینه ی صخره های روبرو، تندیس هرکول، کنده شده بود. صدای چکاکچک تیششه های سنگتراشان و صدای شلاق هایی که بر گرده های سنگتراشان فرود می آمد، در گوشم می پیچید. گفتم شاهان هخامنشی هم عجب کارآفرین هایی بودند ...

تجاوزحربه ی کثیف اسلامی

از صفحه ۹

شان کوتاه کنیم. نباید اجازه دهیم این مار زخم خورده در آخرین نفسهای قربانی بگیرد. نباید به این جانان مجال بدهیم. باید کاری کنیم که با دستگیری هر یک از عزیزانمان، رژیم با تجمعات گسترده ی مردمی مواجه شود تا مجال انجام اعمال کثیفش را پیدا نکند. بی شک اگر با دستگیری هر کدام از این عزیزان نام آنها به جراید میامد و در باره شان صحبت میشد مزدوران اسلامی جرات انجام چنین اعمالی را پیدا نمیکردند. باید اسامی عزیزانمان را به محض دستگیر شدن به گوش دنیا برسانیم و همه ی مردم شریف دنیا را برای فشار به جمهوری اسلامی دعوت کنیم. اوباش

اسلامی خوب میدانند که در صورت علنی شدن چهره ی دستگیر شدگان، دستشان برای جنایت کوتاه میشود و از همین رو همواره خانواده های زندانیان را تهدید میکنند که خبر دستگیری عزیزانشان را رسانه ای نکنند تا بتواند در فرصتی که بدست میاورند همچون گرگی درنده در خفا به جان زندانیان بیافتند. هرچند درنده خوبی و رذالت حکومت اسلامی بر کسی پوشیده نیست و این رژیم تا آخرین لحظات بقایش جنایت میافزیند، اما ما میتوانیم ابزارهای جنایتشان را از دستشان بدر آوریم و لاشه ی متعفن این اژدهای زهر آلود را بیاندازیم و آن روز دور نیست!

اژدهای اسلام سیاسی

را باید از هر طرف مورد حمله قرار داد

از صفحه ۹

را علنا به خاطر نشان دادن بدن عریانش مورد حمله قرار داده و مرتجعان اسلامی میگویند باید شلاق بخورد و سنگسار شود. آیا این توهین به بشریت نیست؟ با امضا طومار و شرکت در اعتراض جهانی روز چهارم آوریل در مقابل سفارخانه های تونس از حقوق و کرامت انسانی دفاع کنید. از جسارت آمنة و آمنة ها حمایت کنید. حمایت از آمنة کرده اند. آیا شما خواننده گرامی این سطور این طومار را امضا کرده اید؟ اگر امضا نکرده اید منتظر چه هستید؟ آیا این همه حمله و توهین به زنان کافی نیست؟ کنار گوش ما یک زن جوان

آمنه دست به اعتراضات عریان زده اند. این اعتراضات هنوز ادامه دارد و قرار است در روز چهارم آوریل در سراسر دنیا علیه اسلامیون و در حمایت از آمنة اعتراضی یکپارچه صورت بگیرد.

تا بحال حدود شصت هزار نفر طومار حمایت از آمنة را امضا کرده اند. آیا شما خواننده گرامی این سطور این طومار را امضا کرده اید؟ اگر امضا نکرده اید منتظر چه هستید؟ آیا این همه حمله و توهین به زنان کافی نیست؟ کنار گوش ما یک زن جوان

۲۷ مارس ۲۰۱۳

گزارش کوتاهی از برگزاری یک تظاهرات مهیج ضد راسیستی در شهر مالمو در جنوب کشور سوئد!



فاضل نادری

گروه Swedish Defence League - SDL (گروه دفاع سوئد) در اوایل آذرماه ۲۰۱۲ در کشور سوئد اعلام موجودیت کرد. افکار و نقطه نظرات این گروه، الهام گرفته از گروه "مادر" EDL English Defence League میباشند.

آنها اعلام می کنند که اسلام و مسلمانان، به همه جاهل و جاهل و جوامع را آلوده کرده اند. ما باید جوامع و مناطق مسکونی خودمان را از وجود اینها پاکسازی کرده و حفظ شان کنیم. در حقیقت هدف آنها تمام مهاجران و پناهندگان هستند و هر نام بیگانه و هر چهره و موی غیر اروپایی را مسلمان میخوانند. خوشبختانه بخاطر مخالفتها و مقاومتها سرسختانه تاکنون مردم سوئد، آنها نتوانسته اند خودشان را در سوئد جا انداخته و تثبیت کنند. حتی برای خیلی از سوندیها شناخته شده نیستند. این گروه طرفدار سازمان یافته SD (حزب راسیستی دموکراتهای سوئدی و عضو پارلمان این کشور) نیستند ولی از افکار و ایدئولوژی این حزب دفاع میکنند. این گروه های محل فعالیت خود بخاطر نظرات فوق ارتجاعی خود فاقد توان

و ابراز وجود سیاسی هستند. آنها بیشتر به چاقوکاران، ماجراجویان، فالانژیستها، هولیگانها و باصطلاح "سیجیهای" احزاب و جریانهای راسیستی، نازیستی و فاشیستی معروف شده اند. بعنوان مثال، حامیان این گروه فالانژها و هولیگان هائی هستند که در مناطق مسکونی مهاجر نشین در انگلستان، خرابکاریها و ویران گری هائی را بوجود آورده و باعث نا امنی در چنین مناطقی میشوند.

گروه Swedish Defence League - SDL برای برگزاری تظاهرات روز شنبه گذشته، از پلیس شهر مالمو تقاضای اجازه تظاهرات ایستاده در منطقه

Rosengrd (که اکثریت سکنه آنرا مهاجرین غیر اروپایی تشکیل می دهد) را میکند. پلیس با این محل موافقت نمیکند و اظهار میدارد که صدور اجازه تظاهرات در این محل، راه انداختن حمام خون است. SDL درخواست اجازه برگزاری تظاهرات در یکی از میادین معروف و پر تجمع شهر یعنی میدان میوه و تره بار را میکند. پلیس با این محل هم موافقت نمیکند. در نهایت امر اجازه برگزاری تظاهرات در بزرگترین میدان مرکزی شهر داده میشود. ولی تاریخ تظاهرات از ناحیه SDL تا چند روز قبل از تظاهرات علنی نشد. سخنگوی پلیس ضد شورش

میگوید: "در درخواست نامه تظاهرات، آنها اعلام کرده بودند که حدود ۱۰۰ نفر شرکت کننده دارند و پنج نفر هم سخنران خواهند داشت. از طرف دیگر ما میدانستیم که اعتراض علیه SDL به مراتب قویتر و قدرتمندتر خواهد بود از این نظر، اتفاقات پیش بینی و غیر قابل پیش بینی را محاسبه کردیم و نیروی کافی برای جلوگیری از هرگونه رخداد ناگواری را بسیج کرده و آمادگی مقابله را داشتیم. بمحض ظاهر شدن تعداد اندک از افراد وابسته به SDL که بشدت از طرف پلیس در گوشه ای از میدان، تحت کنترل و مراقبت شدید قرار داشتند، در اثر هجوم مردم معترض و خشمگین علیه وجود

آنها، نرده های حفاظ را بهم زده و با پرتاب نارنجکهای دود و شعله افزا، نظم و آرامش نسبی بهم خورد. ولی پلیس حاضر در صحنه با فراخواندن نیروی کمکی، کنترل اوضاع را بدست گرفت. افزایش نیروی پلیس و ایجاد باریکادهای لازم، سبب شد که اوضاع کمی آرامتر شد و در نهایت خوشبختانه همه چیز پایان یافت".

بعد از بهم ریختن نرده های حفاظ، ماشینهای پیکت و افراد پلیس دیوار حفاظی را در اطراف اعضای SDL کشیدند تا آنها را از دسترس مردم خشمگین، در امان نگهدارند.

گرد هم آئی تظاهرات ضد

ادامه صفحه ۱۳



زنده باد سوسیالیسم!

گزارش کوتاهی از برگزاری یک تظاهرات مهیج ضد راسیستی در شهر مالمو در جنوب کشور سوئد!

از صفحه ۱۲

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
http://www.countmein-iran.com

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

Canada, ICRC, Scotiabank
4900 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس
و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
branch: Wood Green, Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:
از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدال گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

مارس، روز جهانی زن.
۲- تظاهرات علیه سیاستهای راسیستی و خارجی ستیزی دولت سوئد در مقابل پناهجویان فاقد مدارک قانونی.
۳- تظاهرات در مقابل خصوصی کردن و فروش مراکز خدمات درمانی و کاهش رفاه و دست آوردهای جامعه. ۴- تظاهرات ضد راسیستی ذکر شده در بالا.

در این تظاهراتها ده ها هزار نفر با شور و شوق واتحاد و همبستگی، با شعارها و فریادهای اعتراضی علیه سیاستهای راست روانه دولت سوئد و مقامات دست اندر کار و علیه راسیسم بخوابانها ریخته و تلاش و کوشش خودشان در حفظ دست آوردهای موجود جامعه را آشکارا بنمایش گذاشتند. آنها با فریادهای خشمگینانه خود به راسیسم نوریسیده اعلام کردند که به شما اجازه ابراز وجود نمی دهیم و صدای ضد مردمیتان را خفه میکنیم.

آنها همانند گذشته بخوبی نشان دادند که دولت حافظ سود و سرمایه نمیتواند نقش آنها را در جامعه نادید گرفته و از بالای سر آنها تصمیم بگیرد. آفرین بر این اتحاد و همبستگی و صد آفرین بر این همه انسان دوستی.

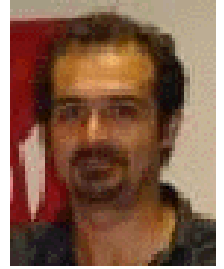
شنیدن سخنان آنها در میان شرکت کنندگان وجود داشته باشد. آنها خطاب به گوشهای ناشنوا و غیرعلاقتمند سخنرانی کردند. در مقابل حدود ۱۶ نفر راسیست تقریباً ۲۰۰۰-۱۵۰۰ نفر علیه آنها شرکت کردند. در میان تظاهرکنندگان، تعداد زیادی دانمارکی ضد راسیست شرکت کرده بودند. قابل ذکر است که شهرهای مالمو و کپنهاگ (پایتخت کشور دانمارک) همسایه هستند. تعدادی پلیس دانمارکی با ماشینهای پیکت بکمک پلیس سوئد آمده بودند. گروههای چند نفره با لباس و کوله پشتیهای آرم دار "کمکهای اولیه" مدام در میان و در اطراف مردم در حرکت بودند که تا در صورت لزوم به مردم کمک کنند. این گروهها هم از دانمارک آمده بودند.
تعداد زیادی پلیس انفرادی، پلیسهای با لباس شخصی، پلیس های اسب سوار، پلیسهای با سگ و پلیس با هلی کوپتر، در طول تمام ساعات تظاهرات، جولانگری میکردند.
در طول ۳ هفته اخیر شهر مالمو شاهد برگزاری ۴ تظاهرات عظیم و باشکوه بود. این چهار تظاهرات عبارت بودند از:
۱- تظاهرات بمناسبت ۸

راسیستی، کمی قبل از ساعت ۱۱ در میدان پرتجمع میوه و تره بارفروشی شهر آغاز شد. رفته رفته بر تعداد شرکت کنندگان افزوده میشد. یک ساعت بعد جمعیت کثیری با ماشین راهنما در جلو کاروان حامل بلند گو، باندروول، شعارها و پلاکاردهای ضد راسیستی، بطرف میدان مرکزی شهر، محل تجمع راسیستها حرکت کردند. کاروان تظاهرات، از خیابانهای مرکزی و پرتجمع شهر عبور کرد و در تمام مسیر چند کیلومتری، شعارهای کوبنده علیه راسیسم، کینه و نفرت به وجود آنها، منطقه وسیعی از شهر را آغشته از شور و ولوله توأم با همبستگی واتحاد علیه آنها تبدیل کرد. این تظاهرات حدود چهار و نیم ساعت طول کشید.
تعداد شرکت کنندگان در تظاهرات SDL، ۱۶ نفر بود که دو نفر از آنها سخنرانی کردند. در هنگام سخنرانی آنها، تظاهر کنندگان مخالف، با صوت زدن و هو کردن آنها آنچنان سروصدائی راه انداختند، که سخنان سخنرانان بهیچوجه قابل شنیدن نبود. یکی از خبرنگاران در روزنامه ای نوشت بنظر نمی آمد که شنونده ای طالب



انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

بحران سیاسی؛ "حماسه سیاسی"!



هادی وافی

خامنه ای سال ۹۱ را سال "حمایت از تولید ملی و کار و سرمایه ایرانی" نامگذاری کرد. گو آنکه از تعمیق بحران های اقتصادی حکومت و تأثیرگذاری تحریم های اقتصادی بین المللی - که باز فشار مضاعف آن بر کرده هرچه بیشتر نحیف شده مردم وارد آمد - خبر داشته باشد! سالی که بالا رفتن شاخص فقر و فلاکت و بیکاری بعنوان نتایج یک اقتصاد من درآوردی و معیوب و فاسد و از آنطرف هم تعمیق خشم و انزجار مردم به جان آمده از سیاست بازی های این مقامات، از ویژگیهای بارز آن بود.

ولی فقیه حکومت اسلامی امسال نیز برسم معمول هر ساله اش به نامگذاری سال جدید پرداخت و آنرا سال "حماسه های سیاسی و حماسه های اقتصادی" نامید. او در سخنان خود بمناسبت تحویل سال که از تلویزیون ایران پخش شد و نیز یک روز پس از آن در سخنرانی مشهد تلاش کرد هرچه بیشتر به توضیح این مفاهیم بپردازد. دو سخنرانی پی در پی که به او فرصت داد تا آشفتگی و پریشان حالی حکومتی منزوی و در حال سقوط خود را بهتر به جهانیان مخابره کند! او در سخنرانی اولش از "نقاط قوت و ضعف" سال گذشته گفت و از "سختگیری" دشمنان ناله کرد و

اینکه "در زمینه اقتصاد البته بر مردم فشار آمد، مشکلاتی ایجاد شد، بخصوص که اشکالاتی هم در داخل وجود داشت، برخی از کوتاهی ها و سهل انگاری ها انجام گرفت که به نقشه های دشمن کمک کرد لیکن در مجموع، حرکت مجموعه نظام و مجموعه مردم، یک حرکت رو به جلو بوده است!" در سخنرانی اش در مشهد، ضمن تهدید به نابودی "تل آویز" و "حیفا" اعتراف کرد تحریم ها اثرگذار بوده است. خامنه ای گفت: "دشمنان اگر می خواهند خوشحالی بکنند، بکنند. بله، تحریم ها اثر گذاشت!" او همچنین اضافه کرد که هر چند به مذاکره با آمریکا خوشبین نیست اما مخالفتی هم با آن ندارد!

اشاره خامنه ای به نقاط قوت ساز و کاری که بیشتر از سی سال است حساب های بانکی مقامات و آفازاده هاشان را در اقصی نقاط دنیا انباشته و آن موفقیت هایی که کارکرد ماشین دزدی و اعدام حکومت را امکانپذیر ساخته است (رژیم اسلامی بالاترین میزان اعدام را در طول سال گذشته در کارنامه سیاه و نکبت بار خود ثبت کرده است) البته، همان غرو لند ها و شیادی های همیشه نظامی است که آتش کنونی را بر هیمه جان و زندگی مردمان انداخته است و باینحال، اشاره او به نقاط ضعف حکومت اسلامی قابل تأمل است.

باید گفت خامنه ای دارد به سکه یک پول شدن ولی فقیه نزد مقامات رژیم و در نتیجه اختلافات عمیق و بنیان کنی اشاره می کند که طی سال گذشته تا درونی ترین لایه های خود اصولگرایان رسوخ یافت و هرچه بیشتر نشان داد که تا چه اندازه از جایگاه و اعتبار خامنه

ای حتی در میان حامیان و طرفداران همیشگی اش کاسته شده است. او در واقع، دارد باز هم گلایه می کند که چندین بار مقامات را از کشاندن اختلافاتشان بمیان مردم برحذر داشته اما گوش شنوایی نیافته است!

پس از هشدارها و نصایح خامنه ای برای خلق حماسه های سیاسی و اقتصادی، نمایندگان و دست پرورده هایش در نهادهای مختلف هم به تبیین و تفسیر مضمون سخنان رهبر عزیزشان پرداختند. حجت الاسلام شریعتی، رئیس دانشگاه علامه طباطبایی در سخنرانی خودش قبل از اولین نماز جمعه سال ۹۲ در دانشگاه تهران، با اشاره به این نامگذاری می گوید: "فرمایشات حکیمانه و پیامبرگونه رهبری در حرم رضوی را شنیدید، امسال در دو محور باید دلاورانه و شجاعانه به مقابله با دشمن برخیزیم" و اضافه می کند که "ما با جدیت در انتخابات خردماه و اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی، حماسه ساز خواهیم شد". همچنین یک عضو فراکسیون رهروان ولایت در مجلس نیز معتقد است که "حماسه اقتصادی را می توان از طریق اقتصاد مقاومتی ایجاد کرد و همچنین از طریق حضور گسترده در انتخابات می توان حماسه سیاسی را بوجود آورد".

مقاماتی که درصدد آنند با استناد به فرمایشات ولی فقیه شان "حماسه" بیافرینند. از همان نوع حماسه هایی که بیشتر از سی سال است دارند خلق می کنند و به مردم تحمیل می نمایند و دست آخر، آنچه بطور واقعی بر جای مانده، لاعلاجی و تشدید بحران های

حکومت اسلامی بوده است. نظام اسلامی سالی پر از حماسه در پیش دارد. انزوی بیسابقه بین المللی رژیم، اختلافات عمیق باندهای مختلف حکومت برای تسلط بر منابع ثروت، ادامه غارتگری افزودن بر ثروت و قدرت خود و از جانب دیگر، خطر انقلاب مردمی که فقر و فاقه گسترده گریبان آنها را گرفته، بیکارسازیهای فزاینده و تعطیلی کارخانجات و مراکز تولیدی که همه و همه از دستاوردهای سیاستهای مقامات بوده است، برآستی هم حکایت از سالی مملو از "حماسه" دارد! در انتظار و نگران از بروز اجتماعی و خیابانی آن خشم و انزجار عمیقی که در قلب های اکثریت مردم آن جامعه تلنبار شده است، تکرار وقایع انقلاب ۸۸ مردم و انقلاب برای بزیر کشیدن رژیم اسلامی، آن کابوسی است که در واقع، خامنه ای و انواع و اقسام این از گوربرخاستگان تاریخ را به هذیان گویی واداشته است. آنچه را که خامنه ای "حماسه سیاسی" می نامد، در درجه اول سرکوب و تشدید اختناق و سرعت بخشیدن به ماشین کشتار و اعدام حکومت است تا بتواند بر "بحران سیاسی" در آستانه باصطلاح انتخابات ریاست جمهوری اش فائق آید تا شاید بتواند انتخاباتی آرام داشته باشد و فقط همین! مسئله انتخابات مدتهاست که به بحران سیاسی حکومت تبدیل شده است و امسال، سال حماسه است - اول - به

این دلیل که از رهگذر برگزاری نمایش انتخاباتی دیگری، باز هم ترس و وحشت سر تا پای ارکان نظام اسلامی را فرا گرفته و باز هم خطر "فتنه" های مختلف و "فتنه های بزرگتر" خواب را از چشم مقامات ربوده است!

خامنه ای راست می گوید! سال ۹۲ بدرستی می تواند سالی "حماسی" باشد اما، برای مردم به جان آمده از فقر و بیحقوقی نیز همینطور! خود رهبر بخوبی می داند که دیگر غلبه جمهوری اسلامی بر خشم فزاینده مردم تبدیل به حماسه ای برای حکومت شده است. می داند که این مبارزه ای رو در رو است بر سر هست و نیست جمهوری اسلامی که در طرف دیگرش مردمی در انتظار نشسته اند که خطر انقلابشان از مدت ها پیش با اسم ها و رمزهای مختلف از جانب مقامات متعدد هشدار داده شده است. برخی از سران سپاه می گویند "فتنه بزرگ" اینبار پیش از انتخابات در راه است و گروهی دیگر از تکرار وقایع سال ۸۸ ابعادی وسیعتر خبر می دهند! امروز، مردمی که آزادی، رفاه و شادی می خواهند، زنان، جوانان و کارگران، در کمین نشسته اند تا بساط حکومت اسلامی را بر سر خامنه ای و این مقاماتی که بیشتر از سی سال است دارند اموال و امکانات مردم را بالا می کشند، خراب کنند و این البته، همان نام دیگر بحران یا حماسه سیاسی که قرار است حکومت بر آن فائق آید.

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!